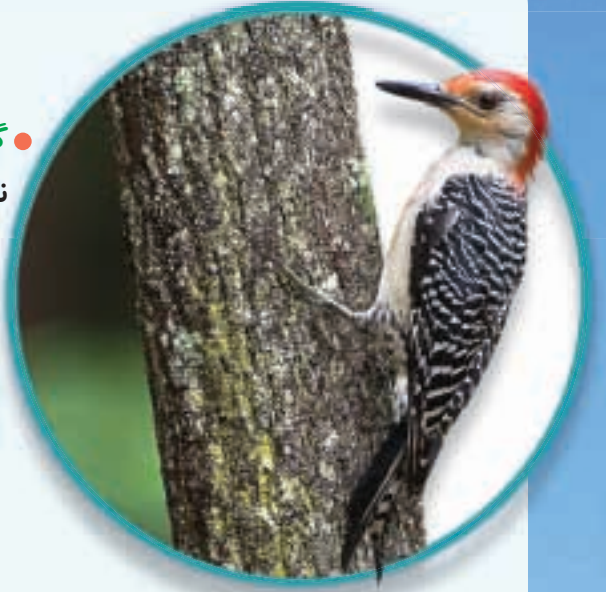


منقارهای عجیب

• نوشته‌ی طاهره خردور

دارکوب

- **گفتم:** خانم دارکوبه، چرا این قدر تق تق می‌کنی؟ مگر نمی‌بینی که درخت خواب است؟
- **گفت:** من دارم منقارم را به تنه‌ی درخت می‌کوبم، تا برای خودم غذا پیدا کنم و بخورم.



• فهمیدم: دارکوب‌ها منقار بسیار تیزی دارند. آن‌ها با منقارشان تنه‌ی درخت را سوراخ می‌کنند، حشرات را در می‌آورند و می‌خورند.

مرغ مگس خوار

- **گفتم:** مرغ مگس خوار، چه منقار بلندی داری! از بدنت هم بلندتر است.

- **گفت:** دُرُست است. منقار من خیلی بلند است. من با این منقار، موقع پرواز هم می‌توانم غذایم را به دست بیاورم.



• فهمیدم: مرغ مگس خوار در حال پرواز، منقارش را توی گل‌ها فرو می‌کند و شیره‌شان را می‌مکد.

پلیکان



- **گفتم:** آهای پلیکان، مثل این که به جای ماهی، ملاقه قورت داده ای!
- **گفت:** نه، این که می بینی ملاقه نیست. کیسه‌ی زیرِ منقار من است.

● فهمیدم: پلیکان‌ها زیر منقارشان کیسه‌ای دارند که شبیه یک ملاقه است. آن را توی آب فرو می‌کنند، ماهی می‌گیرند و می‌خورند.

شانه به سر

- **گفتم:** شانه به سر منقارت به کجا خورده که کج شده؟
- **گفت:** به هیچ جا. منقار من از اول همین طوری بوده. نازک، بلند و کمی هم خمیده.



● فهمیدم: منقار شانه به سرها کمی به طرف پایین خمیده است. آن‌ها با این منقار حشرات و کرم‌ها را از تنه‌ی درختان، لابه‌لای سنگ‌ها و سوراخ زمین در می‌آورند و می‌خورند.